



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیخ اعظم انصاری (ره) هفت امر را بر مسئله ابتیاع به عقد فاسد مترتب کرده اند : اول اینکه : لم یملکه ، دوم اینکه : یجب ردّه ، سوم اینکه : علاوه بر خود عین ضامن منافع مستوفاة و غیر مستوفاة نیز می باشد که قبل از تعطیلات مفصلاً درباره این سه امر بحث کردیم .

امر رابع آن است که کیفیت ضمان (بعد از ثبوت آن در بیع فاسد) چطور باید باشد البته فرقی نمی کند که ضمان به إتلاف باشد و یا اینکه ضمان یدی باشد (گاهی ضمان اتلافی است یعنی : من أتلّف مال الغير فهوله ضامن و گاهی ضمان یدی می باشد و : علی الید ما أخذت اقتضای ضمان را می کند) که ما در آینده درباره معنای ضمان بحث خواهیم کرد ، علی أي حال اجمالاً ضمان به این معنا می شد که شخص ضامن باید خسارت و خلأ بوجود آمده را جبران و پر کند منتهی بحث در کیفیت جبران خسارت بوجود آمده می باشد که مشهور گفته اند باید در مثلی مثل و در قیمی قیمت آن خسارت و خلأ بوجود آمده پرداخت شود .

در ادامه بحث شده که مال چند هویت دارد : اول هویت شخصیه ، دوم هویت صنفیه ، سوم هویت نوعیه و چهارم هویت جنسیه (مالیه) ، مثلاً فرض کنید یک من گندم به بیع فاسد در دست شما بوده و بعد تلف شده و هویت شخصیه اش از بین رفته خوب در این صورت شما باید بدلی بجای خسارت و خلأ بوجود آمده بپردازید یعنی باید هویت صنفیه را در نظر بگیرید زیرا همه گندم ها و

برنج ها یکی نیستند اگر چه از لحاظ هویت نوعیه یکی هستند ، خلاصه اینکه در مثلی این هویت ها (شخصیه و صنفیه و نوعیه) باید مورد توجه قرار بگیرند .

گاهی شخص و عین مال از بین رفته و دیگر صنف و نوع نمی تواند خلأ و خسارت بوجود آمده را جبران کند مثلاً فرض کنید انگشتی از بین رفته خوب انواع و اصناف انگشتها خیلی زیادند لذا باید در اینجا هویت جنسیه و مالیت در نظر گرفته شود پس خیلی از چیزها مثل انگشت ، خانه ، فرش و حیوانات و... هویت جنسیه مالیه دارند یعنی قیمی هستند و موقع جبران خسارت باید هویت جنسیه مالیه آنها در نظر گرفته شود لذا فقهای ما در جعل بدل برای جبران خسارت فرموده اند در مثلی باید مثل و در قیمی باید قیمت آن به ترتیبی که عرض شد پرداخته شود .

شیخ اعظم انصاری (ره) در مانحن فیه چندین تعریف برای مثلی و قیمی ذکر کرده و گفتیم که صاحب جواهر نیز در ص ۸۸ از جلد ۳۷ جواهر ۴۳ جلدی درباره مثلی بحث کرده .

شیخ اعظم انصاری (ره) ابتدا تعریف مشهور درباره مثلی را بیان می کند و می فرماید : « أنه ماتساوت أجزاء من حیث القيمة » ، مثلی آن است که اجزاء آن از حیث قیمت مساوی باشد مثل یک من گندم که کلی است و اجزائش یعنی دانه هایش از لحاظ ارزش باهم مساوی هستند .

شیخ اعظم انصاری (ره) در ادامه می فرماید : « والمراد بأجزائه : ما یصدق علیه اسم الحقیقة » ، مراد از

اجزاء آن است که اسم حقیقت بر آن صدق کند ، اگر گفته شود یک من گندم این میشود کل و جزء ، اما اگر گفته شود گندم این میشود کلی و جزئی (فرد) یعنی درواقع ایشان کل و جزء را به کلی و جزئی (فرد) برگردانده ، خلاصه اینکه شیخ می فرماید که مشهور گفته اند که مثلی آن است که در آن اجزاء از لحاظ قیمت تفاوت نداشته باشند و کلی بر تمام آن اجزاء صدق بکند و بعد ایشان این بحث را مطرح میکنند که با توجه به تعریف مشهور بعد از تلف مبیع در بیع فاسد ، در جعل بدل برای جبران خسارت مشکل پیش می آید زیرا مثلاً تمام افراد گندم و یا برنج با هم مساوی نیستند و خیلی با هم فرق دارند فلذا شیخ فرموده این تعاریف جامع افراد و مانع اغیار نیستند ، اما جامع افراد نیستند زیرا ما نمی توانیم بگوئیم که مثلاً همه برنج ها و یا همه گندم ها از لحاظ قیمت و ارزش مساوی هستند بلکه خیلی باهم فرق دارند و اما اگر بگوئیم مسئله نسبی است و تفاوت های کم مهم نیست خوب در این صورت قیمیات نیز داخل تعریف می شوند لذا تعریف از این جهت مانع اغیار نیز نمی باشد .

شیخ انصاری (ره) در ادامه ناچاراً به سراغ صنف رفته و فرموده که در اینجا (مثلی) هویت نوعیه ملاک نیست بلکه باید هویت صنفیه را در نظر بگیریم یعنی میزان در مثلیت صنف می باشد نه نوع زیرا در تحت نوع اصناف مختلفی وجود دارد و ما نمی توانیم خلأ و خسارت بوجود آمده را با نوع جبران کنیم خلاصه اینکه کلام شیخ در اینجا خیلی مفصل است و حال آنکه این یک امر عرفی است و باید بگوئیم که در اینجا عرف میزان

است و از طرفی لفظ قیمی و مثلی نیز توسط شارع وارد نشده است .

خوب واما به نظر بنده معیار و میزان در اینجا آن است که اگر مالیت و ارزش در نظر عرف به جهت جامع و کلی (چه صنفی و چه نوعی) برگردد و خصوصیات فردیه در مالیت دخالت نداشته باشد این می شود مثلی اما اگر مالیت به جهت جامع و کلی مربوط نباشد بلکه مربوط به شخص باشد (مثل اتلاف انگشتر یا فرش یا خانه و یا حیوان که در تمام این موارد مالیت به خاطر کلی انگشتر بودن و یا فرش بودن و خانه بودن و حیوان بودن آنها نیست بلکه به خاطر شخص آنها می باشد و خوب قطعاً قیمت ها به خاطر اختلاف اشخاص با هم فرق دارند) این میشود قیمی نه مثلی چونکه در اینجا هویت شخصیه از بین رفته و هویت صنفیه و نوعیه نیز به دلائلی که عرض شد ملاک نیست لذا فقط هویت جنسیه مالیه ملاک است ، پس هرکجا که خصوصیات مؤثر در مالیت اشیاء به اشخاص برگردد میشود قیمی و هرکجا که مالیت به جامع و کلی (چه صنفی و چه نوعی) برگردد می شود مثلی بنابراین ملاک و معیار در مثلی و قیمی بودن کاملاً برای ما روشن و مشخص شد و انشاءالله تعالی من بعد به سراغ دلائلی که فقهاء برای این مطلب (در مثلی مثل و در قیمی قیمت باید پرداخت شود) ذکر کرده اند می رویم و آنها را مورد بررسی قرار می دهیم که بماند برای فردا ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین